



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
معاونت بررسی‌های اقتصادی

## چشم‌انداز تعمیق رکود در اقتصاد ایران



بانک جهانی در گزارش آوریل ۲۰۱۹ خود، ارقام مربوط به رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) را که قبلاً در اکتبر سال ۲۰۱۸ اعلام کرده بود، بازنگری کرده است. در این گزارش پیش‌بینی شده است که میانگین رشد اقتصادی منطقه منا طی سال‌های ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۱ در محدوده ۱,۵ الی ۳,۵ درصد باشد. مطلب پیش‌رو ضمن ارائه تصویری از چشم‌انداز رشد اقتصادی کشورهای منطقه از جمله ایران، به بررسی قیمت آتی نفت، تراز حساب جاری و تراز مالی و اصلاحات مورد نیاز در این منطقه می‌پردازد.

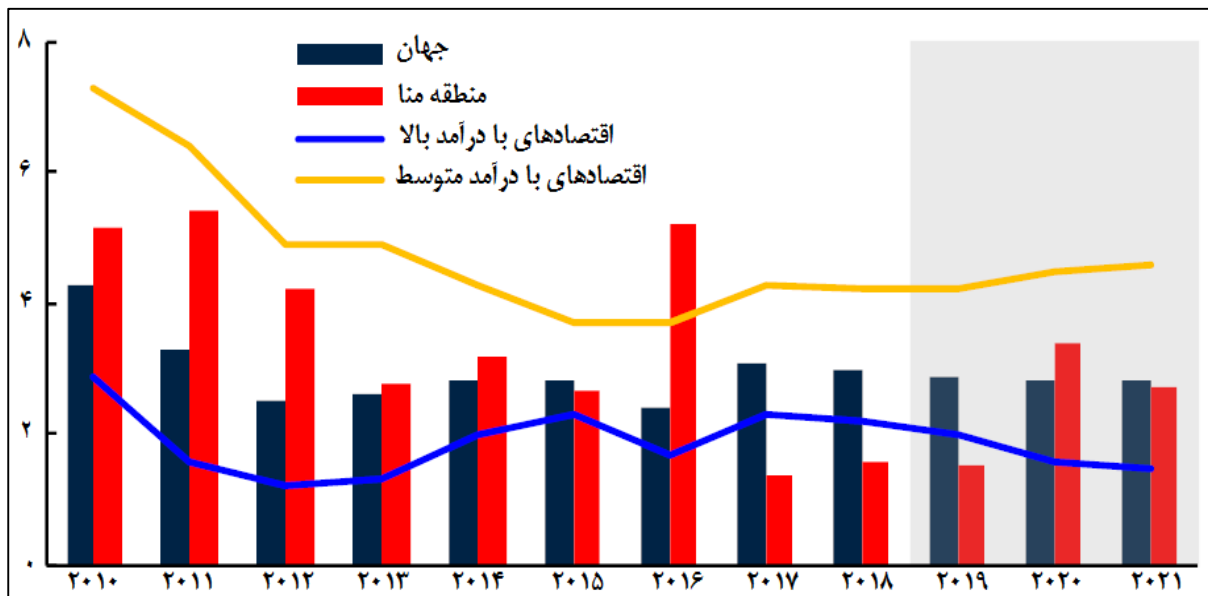
فروردین ۱۳۹۸

## چشم انداز رشد اقتصادی

بانک جهانی در گزارش آوریل ۲۰۱۹ خود، ارقام مربوط به رشد اقتصادی در ۱۸ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) را در اکتبر سال ۲۰۱۸ اعلام کرده بود، بازنگری کرده است. در این گزارش پیش‌بینی شده است که میانگین رشد اقتصادی منطقه منای سال‌های ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۱ در محدوده ۱,۵ الی ۳,۵ درصد باشد. ستاره‌های این منطقه از حیث بالاترین نرخ رشد اقتصادی عبارت از کشورهای مصر، جیبوتی و عراق خواهند بود. همچنین در این بازه ضعیف‌ترین رشد اقتصادی هم متعلق به کشور ایران و در محدوده منفی ۳,۸ تا مثبت ۱ درصد است.

مهم‌ترین ریسک برای تحقق رشد اقتصادی این منطقه ناشی از کند شدن سرعت رشد بازارهای صادراتی بزرگ این منطقه شامل اتحادیه اروپا و آمریکا و چین خواهد بود. با وجود رشد اقتصادی منطقه، تغییری در تصویر بلندمدت سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) ایجاد نخواهد شد و همچنان کسری حساب جاری و کسری تراز مالی در برخی از اقتصادهای این منطقه استمرار خواهد داشت.

نمودار ۱- روند رشد اقتصادی جهان و منطقه منا، اقتصادهای با درآمد بالا و متوسط منطقه در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۱ درصد



همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده، متوسط رشد اقتصادی منطقه منا از میانگین رشد اقتصادی جهان که تا پیش از سال ۲۰۱۷، همواره بیشتر و یا مساوی بود در سال ۲۰۱۷ به ۱,۴ درصد کاهش یافت که تقریباً نصف رشد اقتصادی جهان بود. در سال ۲۰۱۸ هم با وجود افزایش جزئی این رشد به ۱,۶ درصد، باز هم شکاف بین رشد اقتصادی جهان و این منطقه، پایدار ماند. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی منطقه منا در سال ۲۰۱۹ به ۱,۵ درصد و در سال ۲۰۲۰ به ۳,۴ درصد (بیشتر از رشد اقتصادی جهان) و در سال ۲۰۲۱ به ۲,۷ درصد برسد.

در میان اقتصادهای این منطقه، رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای خلیج فارس (شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی)، به علت کاهش تولید و تنزل قیمت نفت، در سال ۲۰۱۷ معادل منفی ۰,۲ درصد

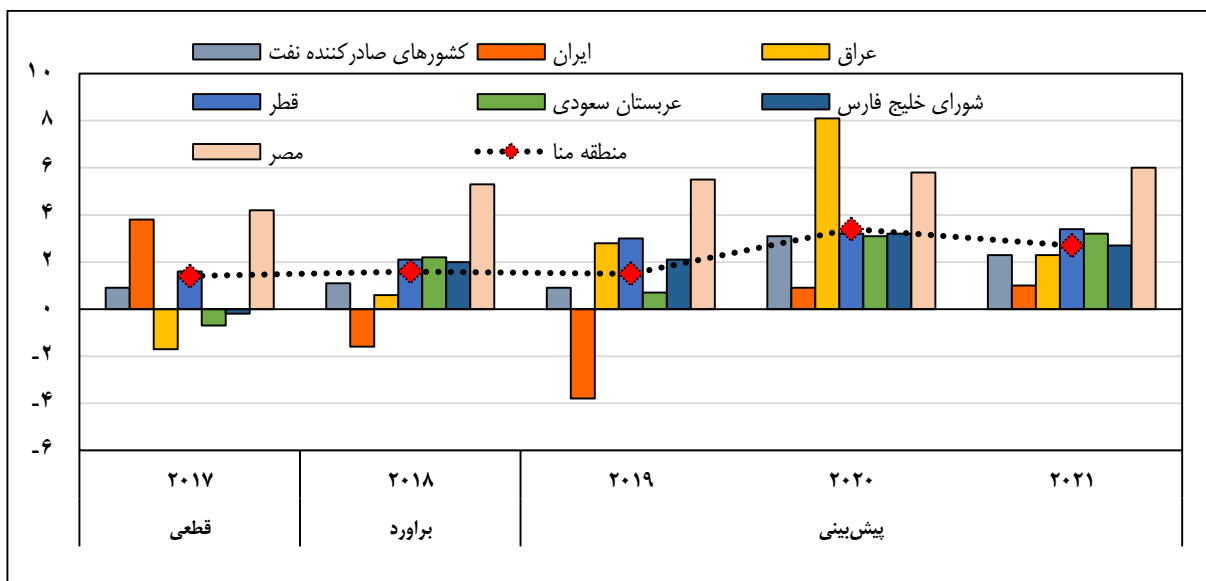
معاونت بررسی های اقتصادی

شد ولی در سال ۲۰۱۸ بدلیل اعمال سیاست‌هایی در زمینه کاهش وابستگی اقتصاد این کشورها به درآمدهای نفتی، بهبود یافت و به ۲ درصد رسید. طرح‌های سرمایه‌گذاری بزرگی در این منطقه در جریان اقدام است از جمله سرمایه‌گذاری امارات متحده عربی در زمینه زیرساخت با هدف آماده شدن برای نمایشگاه Expo 2020، فعالیت‌های گسترده بخش ساختمان کشور قطر برای برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ و افزایش بودجه ۲۰۱۹ عربستان سعودی در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ و تقویت فعالیت بخش غیرنفتی و تنوع بخشی به اقتصاد از طریق افزایش مخارج سرمایه‌ای.

انتظار می‌رود متوسط رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت منطقه منا (شامل الجزایر، ایران، عراق، لیبی و یمن) که در سال ۲۰۱۸ به منفی ۰,۳ درصد تنزل کرده بود، در سال ۲۰۱۹ مجدداً کاهش یافته و به منفی ۰,۹ درصد برسد. احتمال دارد متوسط رشد اقتصادی این کشورها در سال ۲۰۲۰ به ۳ درصد و در سال ۲۰۲۱ به ۱,۶ تغییر یابد. علت اصلی افزایش ۳,۱ واحد درصدی رشد اقتصادی این گروه کشورها در سال ۲۰۲۰، جهش رشد اقتصادی یمن به ۱۰ درصد، عراق به ۸,۱ درصد و لیبی به ۶ درصد است. پایان جنگ و آغاز کار دولت جدید در عراق به همراه سرمایه‌گذاری بالا در زمینه ساخت‌وساز علت عمده جهش رشد اقتصادی عراق در سال‌های پیش‌رو، خواهد بود.

بانک جهانی در گزارش آوریل ۲۰۱۹ خود رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۸ را برابر با منفی ۱,۶ برآورد کرده (نمودار ۲) که در مقایسه با گزارش اکتبر ۲۰۱۸، معادل ۰,۱ واحد درصد، کاهش یافته است. همچنین رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۱۹ در گزارش اکتبر برابر با منفی ۳,۶ درصد اعلام شده بود که در گزارش آوریل ۲۰۱۹ به منفی ۳,۸ درصد تغییر یافته که کمترین و تنها رشد منفی اقتصادی در میان اقتصادهای منطقه منا است. طبق گزارش اخیر، ایران بعد از تجربه رکود در سال ۲۰۱۸، مجدداً در سال ۲۰۱۹، دچار رکود اقتصادی البته با شدت بیشتری، خواهد شد که در واقع به معنی تعمیق رکود است. در این گزارش، ارقام نرخ‌های رشد برای چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ هم به ترتیب برابر با ۰,۹ و ۱ درصد است که نویدبخش تحول معناداری برای اقتصاد ایران نبوده و حاکی از گرفتار شدن اقتصاد ایران در تله رشد ضعیف و کم‌جان است.

نمودار ۲- رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا طی سال‌های ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۱-۲۰ درصد



معاونت بررسی های اقتصادی

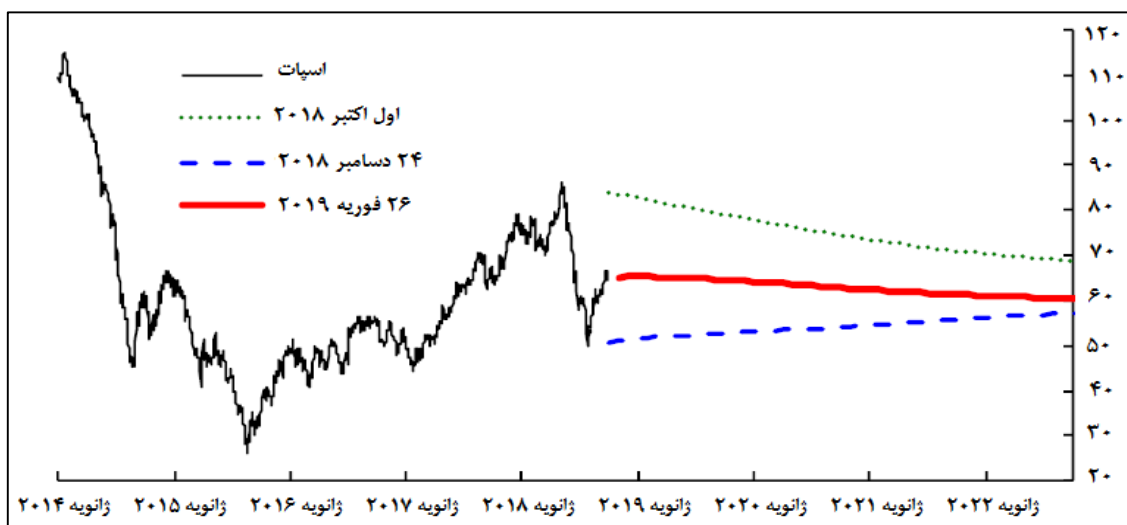
انتظار می‌رود چشم‌انداز رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت (شامل جیبوتی، مصر، اردن، لبنان، مراکش، تونس، غزه و کرانه باختری) در سال‌های پیش‌رو به مراتب بهتر از کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت باشد. میانگین رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت برای سال ۲۰۱۸ حدود ۳٫۸ درصد برآورد شده و بیش‌بینی می‌شود رشد در سال‌های ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۱ روند افزایشی داشته و به ترتیب برابر با ۴٫۰، ۴٫۵ و ۴٫۷ درصد باشد. بیشترین رشدهای اقتصادی این گروه از کشورها متعلق به دو کشور جیبوتی و مصر است که به ترتیب در سال ۲۰۱۹، رشدهای ۷ درصد و ۵٫۵ درصد را خواهند داشت.

### چشم‌انداز بهای نفت

میانگین بهای نفت برنت در سال ۲۰۱۸ برابر با ۷۱ دلار در هر بشکه بود که ۳۱ درصد نسبت به سال ۲۰۱۷، افزایش داشت و بیشترین افزایش در فصل اول سال ۲۰۱۸، اتفاق افتاد. رشد قوی تقاضای جهانی و تحریم مجدد ایران به همراه مختل شدن تولید نفت در ونزوئلا بر افزایش مزبور موثر بود. افزایش تولید نفت در امریکا و عربستان سعودی، باعث شد کاهش تولید نفت ایران، جبران شود و در دوازده هفته انتهای سال ۲۰۱۸، بهای نفت برنت ۳۷ درصد افت کرد. در ابتدای سال ۲۰۱۹، بهای نفت ۵۳ دلار در هر بشکه بود که کمتر از متوسط قیمت سال ۲۰۱۸ بود. در ماه ژانویه ۲۰۱۹، کاهش عرضه از سوی کشورهای عضو اوپک، باعث افزایش بهای نفت به ۶۵ دلار در هر بشکه در ۵ مارس ۲۰۱۹ شد که ۲۳ درصد بیشتر از بهای نفت در اول ژانویه همین سال بود.

پیش‌بینی می‌شود بهای نفت طی ۵ سال آینده بین ۶۰ تا ۶۵ دلار در هر بشکه باشد (نمودار ۳) که ریسک‌های رو به پایین مانند کاهش رشد اقتصادی چین و اتحادیه اروپا و افزایش تولید نفت در امریکا و ریسک‌های رو به بالا مانند تحریم‌های امریکا علیه ایران و ونزوئلا و محدود شدن دسترسی این کشورها به بازارهای بین‌المللی و پتانسیل نهفته در ایجاد اختلال در عرضه نفت در کشورهایی مانند لیبی، در کاهش عرضه و در نتیجه افزایش قیمت نفت، در صورتی که تقاضای نفت تغییری نکند، موثر خواهند بود.

نمودار ۳- روند تغییر قیمت‌های آتی نفت بر اساس قیمت‌های پایه متفاوت - دلار در هر بشکه

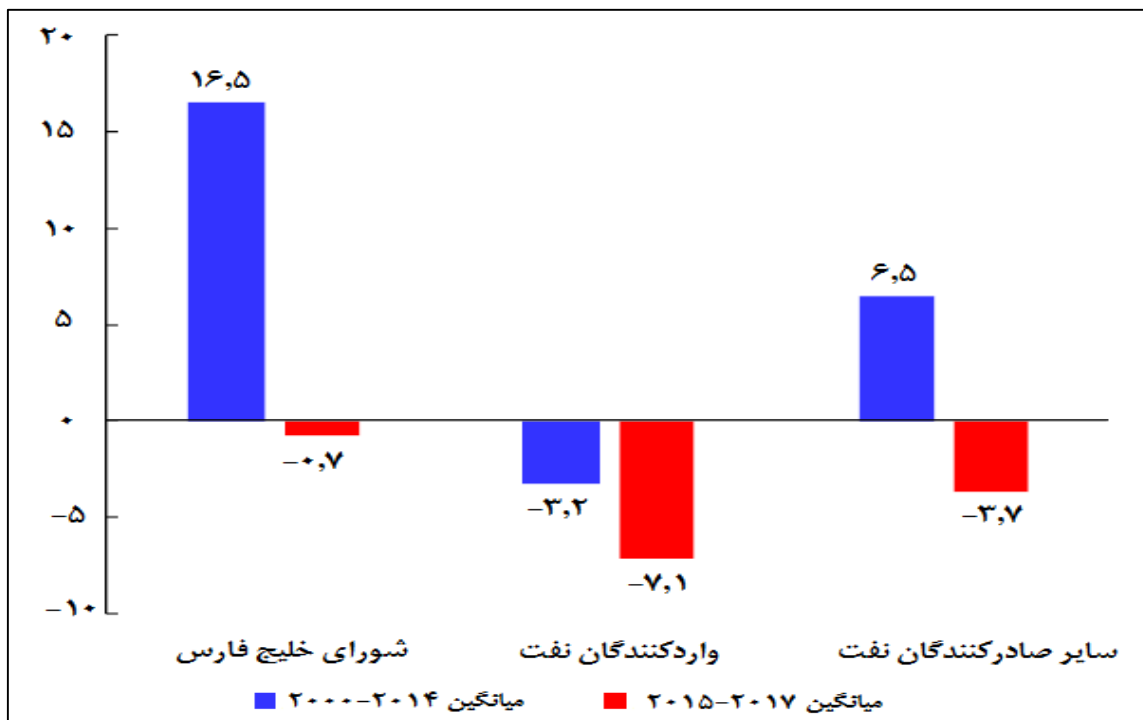


## تراز حساب جاری

بررسی‌ها حاکی از این است که کشورهای صادرکننده نفت، به طور تاریخی از مزاد بالای حساب جاری برخوردار بوده‌اند، اما این وضعیت طی سال‌های اخیر تغییر کرده است. تراز حساب جاری منطقه منا در حال کاهش است که افت مزبور برای اقتصادهای عضو شورای خلیج فارس، قابل توجه است. متوسط تراز حساب جاری برای این گروه از کشورها در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۴ معادل مثبت ۱۶٫۵ درصد GDP بود که در سال‌های بعد یعنی طی سال ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۷ به منفی ۰٫۷ درصد GDP، تغییر کرد (نمودار ۴). در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۷ تراز حساب جاری اقتصادهای منطقه منا، تضعیف شد که اثرات مزبور در مقایسه با سایر مناطق جهان، بیشتر بود. این اتفاق توانایی بازگردش پس‌اندازها از اقتصادهای با درآمد بالای صادرکننده نفت به سمت اقتصادهای در حال توسعه منطقه را محدود کرده و باعث ایجاد محدودیت در تامین نیازهای مالی بخش عمومی نیز گردید.

در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ تراز حساب جاری کشورهای عضو شورای خلیج فارس بهبود یافت و به ترتیب به ۲٫۷ و ۷٫۱ درصد GDP، رسید و پیش‌بینی می‌شود طی سه سال ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۱ هم بین ۵٫۴ تا ۶٫۲ درصد GDP، متغیر باشد که در هر صورت کمتر از میانگین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۴ است.

نمودار ۴- تغییر تراز حساب جاری کشورهای منا در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۷- درصد از GDP



تراز حساب جاری کل منطقه منا از مزاد ۱۵ درصد GDP در سال ۲۰۱۱ به کسری ۵ درصد GDP در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، کاهش و این کسری در سال ۲۰۱۷ به ۰٫۱ درصد GDP رسید. تراز حساب جاری منطقه منا برای سال ۲۰۱۸ مثبت و معادل ۲٫۴ درصد برآورد شده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود تراز حساب جاری منطقه طی سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۱ به محدوده مثبت ۱٫۱ تا ۱٫۳ درصد GDP نزدیک شود.

## معاونت بررسی های اقتصادی

تراز حساب جاری ایران که زمانی جزو ده اقتصاد برتر جهان از حیث بالا بودن این تراز بود، طی سالهای گذشته بتدریج روند نزولی در پیش گرفته تا اینکه در سال ۲۰۱۷ به ۳,۵ درصد GDP رسید و در سال ۲۰۱۸ هم برآورد شده که به ۰,۵ درصد GDP برسد. انتظار می رود این متغیر در سال ۲۰۱۹ برابر با صفر و برای سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ هم همچنان کمتر از یک درصد GDP یعنی به ترتیب معادل ۰,۵ و ۰,۹ درصد GDP باشد.

در آخرین گزارش چشم انداز اقتصادی صندوق بین المللی پول، بالاترین تراز حساب جاری کشورهای خاورمیانه به ترتیب متعلق به عربستان سعودی برابر با ۶۴,۷ میلیارد دلار، امارات متحده عربی برابر با ۳۱ میلیارد دلار، کویت ۱۶,۴ میلیارد دلار، عراق ۱۵,۸ میلیارد دلار، قطر ۹,۱ میلیارد دلار و ایران ۵,۸ میلیارد دلار برآورد شده است. در این گزارش، پیش بینی شده که تراز حساب جاری کشورهای مزبور برای سال ۲۰۱۹ برای عربستان سعودی به ۷۰ میلیارد دلار، امارات متحده عربی به ۳۴ میلیارد دلار، کویت به ۱۶,۸ میلیارد دلار، قطر به ۱۳,۴ میلیارد دلار، عراق به ۷,۸ میلیارد دلار و ایران به ۰,۸ میلیارد دلار برسد. شایان ذکر است اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ با دارا بودن ۱۶,۳ میلیارد دلار تراز حساب جاری مثبت، پانزدهمین اقتصاد جهان از این منظر بود.

## تراز مالی

میانگین تراز مالی بر حسب درصدی از GDP برای اقتصاد منطقه منا در سال ۲۰۱۷ به منفی ۶,۲ درصد رسید که اگرچه در سال ۲۰۱۸ بهبود یافت ولی همچنان دارای کسری و معادل ۳,۷ درصد GDP بود. پیش بینی می شود کسری تراز مالی این منطقه برای سال ۲۰۱۹ به ۴,۸ درصد GDP و در سال ۲۰۲۰ به ۳,۷ درصد GDP برسد.

تقریباً تمام اقتصادهای منطقه منا در سال ۲۰۱۸، مشمول کسری تراز مالی شدند که بیشترین کسری تراز مالی بر حسب درصدی از GDP متعلق به کشورهای بحرین (۱۱,۷ درصد)، لبنان (۱۱,۵ درصد) و مصر (۹,۷ درصد) بود. تنها اقتصادهایی که تراز مالی آنها در سال ۲۰۱۸ مثبت بود شامل کشورهای عراق (۶,۲ درصد)، لیبی (۳,۹ درصد) و قطر (۲ درصد) هستند. انتظار می رود در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ فقط دو کشور قطر و امارات متحده عربی دارای مازاد تراز مالی و مابقی اقتصادهای منطقه، کسری تراز مالی داشته باشند.

از سال ۲۰۱۸ به بعد کسری تراز مالی ایران بر حسب درصدی از GDP تشدید شده و از ۱,۸ درصد به ۴,۸ درصد رسیده و بانک جهانی پیش بینی کرده این موضوع در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ هم تشدید شده و تراز مالی ایران به ترتیب به منفی ۵,۴ درصد و منفی ۵,۵ درصد GDP برسد.

## ارتباط تراز مالی و حساب جاری و اصلاحات مورد نیاز

در هر اقتصاد تراز مالی، مشخص کننده خالص نرخ پس انداز بخش عمومی و تراز حساب جاری، مشخص کننده خالص نرخ پس انداز کل اقتصاد است که هر دو بخش عمومی و خصوصی را در بر می گیرد. در برخی اقتصادهای منطقه منا، همبستگی مثبت و بالایی بین تراز مالی و تراز حساب جاری وجود دارد که کشورهای عربستان سعودی، الجزایر، عمان و کویت از این جمله هستند. در اقتصاد ایران همبستگی مزبور مثبت ولی نزدیک به صفر است. مطالعه بانک جهانی نشان می دهد که اگرچه اصلاح سیاست مالی در شکل اصلاح مخارج مالی با هدف افزایش ذخایر مالی برای اقتصادهای منا،



## معاونت بررسی های اقتصادی

مورد نیاز است ولی ممکن است سیاست مالی ایزار قوی برای کاهش عدم تعادل خارجی در برخی اقتصادهای منطقه که همبستگی کمی میان تراز حساب جاری و تراز مالی آنها برقرار است، نباشد. سیاست کمکی و جایگزین برای این کشورها انجام اصلاحات ساختاری با هدف افزایش بهره‌وری نیروی کار بویژه در بنگاه‌های دولتی و بالاخص در اقتصادهای واردکننده نفت منطقه است. اصلاحات تجاری هم به منظور پایین آوردن هزینه‌های تجارت به پیوسته شدن اقتصادهای منا به زنجیره های ارزش جهانی به خصوص در زمانی که نااطمینانی در حال افزایش است، کمک می‌کند. اعمال سیاست‌های اصلاحی هوشمند در حوزه بنگاه‌های دولتی و صنایع شبکه‌ای مانند انرژی و مخابرات ضمن افزایش کارایی این بنگاه‌ها به تقویت بهره‌وری در کل اقتصاد هم کمک خواهد کرد.

علی‌رغم پایین بودن میانگین تعرفه واردات در اکثر اقتصادهای منطقه منا، مشارکت کشورهای این منطقه در زنجیره ارزش جهانی، ضعیف است. محتوی ارزش افزوده خارجی در صادرات بسیاری از کشورهای منطقه منا بسیار کمتر از سایر کشورها در سطح مشابهی از توسعه یافتگی است. علت این امر در محیط ضعیف لجستیکی، موانع غیر تعرفه‌ای بالا و نبود شفافیت در بودجه است. بررسی های در رابطه با شاخص های عملکرد لجستیکی کشورهای منطقه از کارایی گمرکات تا پایش هزینه و زمان عملیات مرزی، حاکی از وجود پتانسیل بالا برای بهبود محیط لجستیکی در اقتصادهای منطقه مناست.

طبق گزارش ارزیابی بودجه باز ۲۰۱۷، اقتصادهای منطقه منا کمترین امتیاز را از لحاظ شفافیت بودجه و پاسخگویی دارند. کشورهای منطقه منا می‌توانند فرصت‌هایی را برای بنگاه‌ها و نیروی کار از طریق افزایش مشارکت در تولید جهانی، خلق کنند. زنجیره ارزش جهانی موجب توسعه ارزش افزوده و اشتغال در جهان شده و به تغییر سازمان تولید کمک کرده و به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد تا رشد کرده و یادگیری داشته باشند. همچنین این فرصت را برای نیروی کار فراهم می‌آورد تا فرصت‌های جدید را در سایر مکانها یا بخش‌ها جستجو و شناسایی کنند. پیوستن به زنجیره جهانی باعث تغییر ترکیب و ماهیت بنگاه‌ها نیز می‌شود. در حالی که بنگاه‌های داخلی از عواید ناشی از صادرات از طریق فرصت‌های جدید فروش و اثرات یادگیری، منتفع می‌شوند، جریانات سرمایه و خلق بنگاه‌ها از مسیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت مستقیم بر توسعه این اقتصادها هم اثر می‌گذارد.

در سال ۲۰۱۸، بانک جهانی چالشی جدید و هدفی بزرگ را برای اقتصادهای منطقه منا تحت عنوان توسعه اتصال دیجیتال از طریق ماهواره دیجیتال، معرفی کرد. تا سال ۲۰۲۱، کشورها می‌باید اقدامات لازم را برای تقویت دسترسی به باندهای گسترده دیجیتال و نسل پنجم ارتباط سلولی 5G به منظور انتقال سریع داده‌ها را برای جمعیت اقتصادهایشان فراهم کنند. زیرساخت‌های مزبور سنگ بنای آشکارسازی یک اقتصاد جدید برای شتاب‌بخشی به رشد و ارائه فرصت‌های شغلی شایسته برای جمعیت جوان تحصیل کرده در حال رشد به خصوص زنان خواهد بود. از این مهم‌تر، توسعه دیجیتال دارای پتانسیل بهبود خدمات گسترده عمومی و نحوه پشتیبانی از یک جامعه متمدن است. تحقق این اهداف نیازمند انجام اصلاحات فوری در زمینه زیرساخت‌های ارتباطی و اصلاح مقررات در نظام پرداخت‌هاست. اصلاحات مزبور باید به نحوی طراحی و اجرا شوند که در نهایت باعث تقویت رقابت شوند به این معنی که بنگاه‌ها به سهولت بتوانند وارد بازار مرتبط با ارتباطات، داده‌های سلولی و سیستم‌های پرداخت شده و یا از آن خارج شوند و در یک محیط رقابتی پویا، توان بالفعل خود را آشکار کنند.